

جهان در چه زمانی بوجود آمده؟

در این شماره بخشهای خود را در پیرامون «دلایل خداشناسی» و پاسخ «ایرادات مادیها» پایان میدهیم، و چنانچه خوانندگان گرامی مایل باشند توضیحات بیشتری درمباحث فوق و مانند آن بدست آورند بکتاب «آفریدگار جهان» که بتازگی انتشار یافته و مجموعه بخشهای مادر آن بطرز جالبی جمع آوری شده مراجعه نمایند.

بحث آینده مادرباره «صفات خدا» است.

عالم هستی راستی عجیب است، روی هر نقطه آن دست بگذاریم اسراری در آن نهفته است، هر گوشه ای از آن را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم بشکات تازه و عجیبی میرسیم. موجودات و حوادث این جهان غالباً بصورت «سهل و مهمتنع» هستند، یعنی ظاهرشان بقدری ساده و روشن است که حتی کند ذهن ترین افراد آنرا درک میکنند اما باطن آنها بقدری عمیق و اسرار آمیز است که باهوش ترین دانشمندان از حل کامل آن عاجزند!

راه دور نرویم، همین «زمان» و «مکان» که در آن زندگی میکنیم از جمله چیزهایی است که همه آنرا درک میکنند، مسلماً روز و شب و سال و ماه و ساعات و دقائق وجود دارد، هر کاری که ما انجام میدهیم حتماً در زمان خاصی صورت میگیرد، این موضوع برای همه روشن است؛ همچنین «مکان» يك واقعیت محسوس و قابل درک برای عموم مردم است، اینجا

و آنجا و این محل و آن محل هر يك مكانی هستند و هر حادثه و موجودی نیازمند بـمكانی است ،
خواهید گفت اینها توضیح واضحات است ماهم قبول داریم .

امانگته جالب توجه اینجاست که کمتر کسی بخوبی میداند حقیقت و کنه زمان و
مكان چیست ؟ آیا زمان مقدار گردش کره زمین بدور خود یا بدور آفتاب است یا مقدار گردش
ماه بدور زمین میباشد ؟ اگر چنین است پس اگر فرضاً ما را یکی از کواکب دور دست ببرند
که اثری از گردش ماه و خورشید یا زمین در آنجا نباشد آیا در آنجا زمان نخواهیم داشت ؟
و ساعات و دقائق در آنجا نامفهوم است ؟ !

یا اینکه زمان «بعد» و امتداد موهومی است که ما آنرا ظرف وقوع حوادث می پنداریم ؟
در این صورت آیا این «بعد موهوم» میتواند ظرف وقوع حوادث و موجودات باشد ؟
یا اینکه زمان يك « جوهر مجرد » و يك حقیقت غیر مادی است که ظرف وجود مادیات
شده است ؟

از زمان که بگذریم باید دید حقیقت و کنه «مكان» چیست ؟ آیا همین سطحی است که
جسم روی آن قرار میگیرد ؟ اگر چنین باشد پس هر گاه ما بوسیله موشکی در فضا پرواز
کنیم باید موشک فضای پیمای ما مكانی نداشته باشد ، زیرا روی سطحی قرار نگرفته است ،
یا اینکه مكان عبارت از فضائی است که جسم آنرا اشغال میکند ؛ مثلاً این فضائی را که بدن
ما اشغال کرده و فرضاً در حدود يك متر مربع است ، مكان ما است و در هر کجا باشیم این مكان وجود
دارد .

خوب ، اگر چنین باشد بحث در این میآید که این فضا چیست ؟ اگر بنقطه دور دستی
برویم که بقول دانشمندان خلاء محض است و در آنجا هیچ چیز وجود ندارد ، نه هوا نه گاز
دیگر نه جسم سنگین ، آیا باز فضا هست ؟ این فضا چیست ؟
آیا امر موجودی است یا معدوم است ؟ اگر موجود است فرض کنید معدوم شود جای آن
فضا که معدوم شده چه خواهد بود ؟

اینها و مانند اینها سؤالاتی است که فلاسفه و دانشمندان درباره حقیقت و کنه « زمان
و مكان » از خود کرده اند و هر يك بـفکر خود راهی برای حل مشکل زمان و مكان پیدا کرده اند
درست ملاحظه فرمودید که این دو موضوع ساده ای که در تمام عمر با آنها سروکار داریم
تا چه اندازه مرموز تو دارند که باین زودی چهره واقعی خود را بمطالعه کنندگان نشان
نمیدهند ، زمان و مكان در این قسمت تنها نیستند ، بسیارند موجوداتی که ظاهری سهل و
ساده و باطنی عمیق و اسرار آمیز دارند . جهان آفرینش عجائب بسیار دارد ؛ اینهم یکی از

آنها باشد .

در اینجا ما نمیخواهیم درباره حقیقت زمان و مکان زیاد بحث کنیم و گفتگوهای فراوانی را که فلاسفه و دانشمندان برای حل این دو « معما » کرده اند یاد آور شویم . هیئت قدر آخرین نظرانی که در این زمینه داده شده ذکر کرده و وارد اصل بحث یعنی « دنباله پاسخ ایراد مادیها در موضوع حدوث جهان آفرینش » میشویم .



آخرین نظریه درباره حقیقت « زمان » که دلائل عقلی آنرا تأیید میکنند اینست که: « زمان عبارت است از مقدار حرکت » یعنی زمان مولود حرکت و نتیجه آنست . حال فرق نمیکند این حرکت ؛ حرکت ماه و خورشید باشد یا کره زمین یا حرکت کهکشانها و کواکب دیگر یا حرکت جسمی روی زمین یا در وسط فضا . بنا بر این اگر ما بجای از فضا برویم که هیچ موجود متحرکی در آنجا نباشد ، سفینه فضائی ما هم در آنجا متوقف در وسط فضا بماند در بدن و قلب و ریه و نبض و دست و پای ما هیچ نوع حرکتی وجود نداشته باشد ، در آنجا هیچیک از کواکب آسمان هم که حرکت دارند دیده نشود خلاصه همه چیز در آنجا بحالت سکون و سکوت مطلق باشد در چنین نقطه ای زمان ابداً مفهومی نخواهد داشت (۱) .

بنابراین کشش و امتداد خاصی که آنرا زمان مینامیم همان امتداد و کششی است که از « حرکت » بوجود میآید و جایی که حرکت نیست زمان هم نیست ، منتها مردم جهان برای تنظیم امور زندگی بگونه حرکتات مخصوصی را (مانند حرکت زمین بدور خود و بدور آفتاب) مقیاس سنجش زمان قرار داده اند و امور اجتماعی خود را بر آن پایه استوار ساخته اند .

اما « مکان » از نظر انتشار موجودات مختلف و سنجش آنها بیکدیگر پیدا میشود ، یعنی هنگامیکه دو موجود مختلف را با هم بسنجیم و چگونگی وجود آنها را از نظر « انتشار » بایکدیگر مقایسه کنیم مفهوم مکان از آنجا بدست میآید . بنا بر این اگر در تمام جهان هستی یک موجود بیشتر نباشد مکان مفهومی نخواهد داشت ؛ چه اینکه تا موجود

(۱) فیلسوف معروف ملاصدرا شیرازی یک نوع حرکت دیگر بنام « حرکت جوهری »

قائل است که در ذرات تمام موجودات مادی وجود دارد و قابل انفکاک از آن نیست بحثی که در بالا ذکر شده قطع نظر از این نوع حرکت است .

دیگری نباشد که طرز وجود آن با این موجود مقایسه نشود مکان مفهومی نخواهد داشت .



بادر نظر گرفتن بیانات فوق ، پاسخ این قسمت از ایرادات مادیها که میگویند: اگر این جهان حادث است درجه زمان و مکانی بوجود آمده ؟ چون هر حادثی نیازمند بزمان و مکانی است» روشن میشود .

زیرا زمان و مکان چیزی نیست که قبل از وجود جهان وجود داشته باشد بلکه هر دو مولود جهان هستند و پس از وجود موجودات بوجود میآیند ، زیرا تا موجود متحرکی بوجود نیاید «زمان» وجود پیدا نمیکند ، و تا دو موجود با اوضاع مختلف با یکدیگر مقایسه نشوند «مکان» مفهومی نخواهد داشت . این اشتباه است که مانصور کنیم هر موجودی محتاج بزمان و مکان است بلکه قضیه بمکس است و زمان و مکان نیازمند بوجودات هستند و تا آنها نباشند زمان و مکانی پیدا نمیشود .

پس این سؤال که «جهان درجه زمان و مکانی حادث شده» درست مثل اینست که سؤال کنیم خورشید درجه سالی بوجود آمده ؟ این سؤال سؤال عجیبی است ؛ زیرا در آنوقت که خورشید نبود سال (یعنی مقدار گردش زمین بدور آفتاب) اساساً وجود نداشت . یا اینکه سؤال کنیم حضرت مسیح (ع) درجه سال میلادی تولد یافت و پیغمبر اسلام (ص) در کدام سال هجری از مکه بمدینه هجرت نمود ، بدیهی است اینگونه سؤالات مفهوم صحیحی ندارد تا جواب آن گفته شود زیرا قبل از تولد حضرت مسیح (ع) و پیش از هجرت پیامبر اسلام (ص) سال میلادی و سال هجری وجود نداشت ، بلکه این سالها پس از این دو حادثه بوجود آمد .

در اینجا سخنان خود را با گفته یکی از دانشمندان علوم طبیعی خاتمه میدهیم :

دکتر «جان ویلیام کلاتس» استاد فیزیک و لوزی و علوم طبیعی معاصر میگوید :

«جهان ما قدری پیچیده و تودرتو است که امکان ندارد تصادفی خود بخود بوجود آمده باشد ، دستگاه بفرنج آفرینش جهان ، وجود آفریدگار فوق ماده عاقل و عالمی را ایجاب میکند و تصادف کور کورانه نمیتواند این جهان را بوجود آورده باشد . البته علوم در مشاهده و درک شگفتیهای خلقت بما کمک کرده اند و از اینرو در رسوخ ایمان ما به پروردگار عالم مؤثر بوده اند ! . (۱)